

پیام متین

تقارن انتشار شماره‌های سوم و چهارم پژوهشنامه متین با یکصدمین سالگرد تولد امام خمینی (س)، در سالی که به نام او نامیده شده است، فرصت مغتنمی است تا به تناسب موضوع ویژه این شماره، یعنی اندیشه سیاسی، در این مجال به موضوع اندیشه سیاسی امام خمینی (س) به قدر مقدور بپردازیم. ذو ابعاد بودن شخصیت علمی و عملی ایشان، واقعیتی است که یک بررسی دقیق علمی را به شناختی نظام اندیشانه و نه جزئی‌نگرانه فرا می‌خواند. اما بررسی موضوعی وجوه علمی و عملی شخصیت امام خمینی (س)، خصوصاً اگر با رهیافتی روش‌شناختی صورت پذیرد، می‌تواند به مثابه تمهید مقدمه‌ای مناسب و ضروری برای دست یافتن به آن شناخت نظام اندیشانه تلقی گردد. ضرورت بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی (س) به نحوی روشمند، از سوی دیگر ضرورتی ویژه است. پیروی از راه ایشان بدون داشتن برداشتی مضبوط و روشمند از رویکرد ایشان به سیاست ممکن نیست. به علاوه داعیه پیروی از راه امام بسان انگیزه‌ای مبارک و مقدس و نیز هر برداشتی از اندیشه سیاسی امام خمینی (س) در جامعه ما به سرعت می‌تواند به صورت‌بندیهای عملی و تجویزی با آثار و ثمرات عینی در ابعاد اجتماعی و ملی منجر شود که اگر مبتنی بر شناختی بسامان از اندیشه

سیاسی ایشان نباشد علی‌رغم انتساب صوری و ظاهری به ایشان، که عنصری مشروعیت‌بخش می‌تواند تلقی شود، لزوماً نمی‌تواند آرمان پیروی از راه ایشان را برآورده سازد. این ضرورت‌هاست که پرداختن به اندیشهٔ سیاسی امام را برای مشفقان و مصلحان جامعه ما که در شرایط کنونی، اسلام، ایران، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران را با یکدیگر هم سرنوشت می‌یابند در صدر اولویتهای پژوهشهای راهبردی می‌نشانند.

در تحلیل اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (س) دو رویکرد متفاوت را می‌توان باز شناخت. رویکردی که با نگاه به محتوای اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (س)، اندیشهٔ سیاسی ایشان را مجموعه‌ای نهایی، بسته، در خود و لذا لایتغیر می‌یابد؛ در مقابل رویکردی که با نظر به روش اندیشهٔ سیاسی ایشان، آن را اندیشه‌ای در پوییش، باز و بنابراین دارای قابلیت تغییر تکاملی می‌بیند. رویکرد نخست با موضوعیت بخشیدن به صورتهای فعلیت یافتهٔ اندیشهٔ امام، حداکثر تلاش خود را در جهت به دست دادن روایتی دقیق و کامل از گفتار و کردار و نوشتار ایشان به کار می‌گیرد. درحالی که رویکرد دوم با اصالت دادن به روش امام به جای مطلق کردن صور فعلیت یافتهٔ اندیشهٔ ایشان، هم برای فهم و سنجش تحلیلی گفتار، کردار و نوشتار امام و هم در جهت استنباط و استخراج نتایج به کار بستن آن روش در زمینه‌های نو و دربارهٔ موضوعات جدید می‌کوشد. از دید مخالفان، رویکرد نخست با آن که می‌تواند با انگیزه‌ها و دواعی خیرخواهانه و وفادارانه هم همراه شود، اما رویکردی اخباری‌گرانه، تحصلی و ظاهرگرایانه است. این رویکرد در مورد اغلب متون و محتوایی که بهره‌ای از تقدس دارند از سوی پیروان و معتقدان آنها تجربه شده است و در همهٔ موارد به کمتر نتیجهٔ خوشایندی منتهی شده است. ایشان معتقدند، آن انگیزه‌ها و دواعی خیرخواهانه و وفادارانه هرگاه با رویکرد دوم، که آن را در اینجا رویکرد اجتهادی می‌نامیم، همراه شده است، پیروان را در پیروی بصیرانه مدد رسانده است. اگر از این داوری تاریخی که مجال بسط یا اثبات و نفی هر یک از وجوه آن، اینجا نیست، بگذریم، از این نکته به سادگی نمی‌توان گذشت که در هر مواجههٔ فکری‌ای با اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (س)، مقدم بر هر پرسش دیگری، پرسشی در باب روش، گریبان ما را خواهد گرفت. سنخ‌شناسی دوگانهٔ رویکرد به اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (س) که ذکر آن گذشت مسبوق به پرسشی کلیدی در باب روش است.

در سلسلهٔ تلاشهایی که برای پرداختن اصولی به موضوعاتی همچون قدرت، اقتدار، مشروعیت، دموکراسی، مصلحت عرفی و شرعی، آزادی و عدالت از منظر امام خمینی (س) و در بستر انقلاب و جمهوری اسلامی صورت می‌پذیرد، حلقهٔ مفقوده‌ای وجود دارد و آن فقدان همین مباحث منقح روش‌شناختی است.

مباحث روش‌شناختی در این حوزه، ناظر به پرسشهایی از این قبیل‌اند:

- اندیشه و عمل امام را باید بمثابه روش در مطالعه گرفت یا به مثابهٔ غایت؟
 - نسبت اندیشهٔ سیاسی امام با حوزهٔ فقه و اصول، کلام، عرفان، فلسفه و اخلاق، که ایشان در همهٔ این حوزه‌ها ورودی استادانه و صاحب‌نظرانه داشت، چیست؟
 - نسبت اندیشهٔ سیاسی امام با روحیات خاص ایشان نظیر شجاعت و عزت‌طلبی چگونه است؟
 - ملاک و مناط تعیین محکومات و متشابهات آثار ایشان بسان یک متن، چیست؟
 - حوزه‌های گوناگون معرفتی چگونه و با چه روشی در ذهن و ضمیر امام سازگاری می‌یافته‌اند؟
 - آیا امام در صدد نظام‌سازی در حوزهٔ فلسفهٔ سیاسی بودند؟
 - سازوکار خاص اجتهادی امام در حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی چگونه بود؟
 - آیا امام آراء سیاسی خود را صرفاً از درون فقه و با روش رایج اصولی بیرون می‌کشیدند یا از سایر حوزه‌های معرفتی نیز بهره می‌جستند؟
 - نسبت معارف درون دینی با معارف برون دینی - به طور کلی - و نیز در نظر امام چگونه است؟
 - آیا امام در آراء سیاسی خود از تاریخ هم بسان یک منبع معرفتی بهره می‌جستند؟
- بر این فهرست، پرسشهای مهم و بسیار دیگری را نیز می‌توان افزود که بدون داشتن پاسخی به آنها، نمی‌توان به شکلی اصولی پرسشهای حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی را در آثار و آراء امام دنبال کرد. پرکردن این خلأ روش‌شناختی، مستلزم فعالیت فلسفی است. در نتیجهٔ توجهات معرفت‌شناختی و روش‌شناختی، ترکیبهای متفاوتی از پاسخهای گوناگون به مجموعه‌ای از این پرسشها به دست خواهد آمد که مبتنی بر هر یک از آن ترکیبها به شرط انسجام منطقی و مضبوط و روشمند بودن شان، می‌توان پاسخ پرسشهای حوزهٔ اندیشهٔ سیاسی را از آراء امام خمینی (س) جویا شد. آزمودن چنین روند

و سازوکاری نیازمند زمان و در نهایت مولّد آراء متکثر است که در بستر مباحثه‌ای آزاد می‌تواند به حذف خطاها و منقح شدن آراء بینجامد.

تلاشی اینچنین در واقع برای به دست دادن شاخصه‌های عقلانیتی جدید در حوزه عمل سیاسی است. این عقلانیت جدید که از آراء و احوال و الگوی رفتاری امام خمینی (س) الهام می‌گیرد، مانند هر عقلانیت پایه دیگری منبع و مرجع تصمیم‌گیری، گزینش، موجه‌سازی و ارزیابی کنشهای سیاسی خواهد بود. چنین عقلانیت پایه‌ای جز در پرتو رویکردی اجتهادی به آثار سیاسی امام خمینی (س) و منابع اصیل اسلامی برساختنی نیست. بخشهای گوناگون این عقلانیت جدید پایه، را باید با رویکردی اجتهادی از کنار هم نهادن دستاوردهای خرد بشری، تاریخ، سیاست و حکومت در جهان اسلام، متون اصیل اسلامی و اندیشه‌های بزرگانی همچون امام خمینی (س) تأمین و تدوین کرد. اما چنین محصولی که می‌تواند مایه انسجام نظری در حوزه عمل سیاسی و تأمین منافع خرد و کلان جامعه اسلامی باشد، جز در پرتو آن تلاش روش‌شناختی آغازین دست‌یافتنی نیست.

به جریان افتادن و توفیق چنین سازوکاری در امر پژوهشهای اندیشه سیاسی، منوط به شرایطی سلبی و ایجابی است. از جمله این شرایط فراهم آمدن فضای سالم تبادل و تضارب آراء ناهمگون است که جز با نگاه خوش‌بینانه و سعه صدر مسئولان امور علمی، پژوهشی و فرهنگی به بار نمی‌آید. در اینجا به عنوان نمونه‌ای از آسیب‌شناسی فراهم آمدن چنین فضا و رویکردی، به مقوله «توطئه‌اندیشی» اشاره می‌کنیم. امام خمینی (س) آزادی را به مرزهای توطئه محدود می‌کردند و می‌فرمودند: «آزادی آری، ولی توطئه نه!» بی‌مناسبت نیست که این موضوع را از همین نقطه عزیمت آغاز کنیم. اولاً وقتی توطئه به مثابه مرز آزادی تعیین شد، دیگر نمی‌توان با استناد به خطا، گناه یا اشتباه افراد، آزادیهای سیاسی و مدنی ایشان را تهدید و تحدید کرد. زیرا فرض وجود اندیشه یا عمل سیاسی مصون از خطا، اساساً فرض ناصوابی است. ثانیاً به رسمیت شناختن وجود بدخواهان، بیگانگان و «غیرخودیها» حداکثر دلالتی که دارد آن است که فی الجمله ما در جهان سیاست بی‌توطئه زندگی نمی‌کنیم ولی به هیچ روی بر این نکته دلالت ندارد که همه آنچه در جهان سیاست پیرامون ما می‌گذرد، محصول توطئه‌اندیشی بدخواهان و بیگانگان است.

در واقع در باب توطئه‌اندیشی به لحاظ نظری سه موضع می‌توان فرض کرد، موضعی که اساساً سهم عامل توطئه را چندان ناچیز می‌شمارد که مآلاً آن را از میان عوامل تحلیل حذف می‌کند. این موضع تفریطی، در مقابل آن موضع افراطی قرار می‌گیرد که از آن معمولاً با عنوان «نظریه توطئه» یاد می‌کنند. براساس نظریه توطئه سهم توطئه بدخواهان و بیگانگان چندان است که با محاسبه آن دیگر نیازی به بررسی سهم سایر عوامل در تحلیل پدیده‌های سیاسی-اجتماعی و تاریخی نیست. اگر آن موضع تفریطی، برآمده از ساده‌انگاری و نادیده گرفتن واقعیت‌های تاریخی و جهان سیاست پیرامون است، این موضع افراطی هم یا ریشه در تصویری بزرگنمایی شده و اغراق‌آلود از قدرت و هیمنه بدخواهان دارد که روی دیگر این سکه همان خود - ناچیز - انگاری و احساس مرعوبیت و مقهوریت است، یا برآمده از انگیزه‌ای امنیتی و محافظه‌کارانه است که تلاش می‌کند با نسبت دادن هر عمل یا اندیشه‌ای که به‌رهای از دگراندیشی یا نوآوری دارد به بیگانگان و بدخواهان، از وضعیت موجود با حیل‌های تبلیغاتی و از طریق انگ زدن حفاظت کند و یا خود نتیجه توطئه بدخواهان و بیگانگانی است که از طریق ترویج این ایده از دیگران جرأت‌ستانی می‌کنند. اما موضع سوم که موضعی واقع‌بینانه و تعادلی در میان این دو سر افراط و تفریط است، بی آنکه با از دست دادن حساسیت برای کشف و خنثی کردن توطئه‌ها ملازم باشد، تحلیل‌گران را از اینکه سر رشته همه امور اعم از فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی را نزد بیگانگان جستجو کنند، بر حذر می‌دارد. این موضع مبتنی بر تصویری واقع‌بینانه هم از قدرت نفوذ بیگانه و هم از توان فکری و عملی نیروهای خیرخواه و وفادار به دغدغه‌های نظام سیاسی مستقر است.

از آن نگاه تفریطی، متهم کردن همه نیروهای خیرخواه و وفادار به صرف مشاهده اشتباهها و خطاها برمی‌آید و در مقابل از آن نگاه افراطی همه خطاها و اشتباهها به بیگانگان و بدخواهان منتسب می‌شود و راه انتقاد از خود بسته می‌شود و نتیجه واحد این هر دو جریان، سلب امنیت است، که منتهی به نقض غرض رهیافت دوم و منتفی شدن موضوع رهیافت نخست است؛ در آن نگاه تعادلی و واقع‌بینانه علاوه بر تأمین امنیت، آن الگوی پیامبر پستد قرآنی نیز تأمین می‌گردد که پیروان رسول اکرم (ص) را به تندی و شدت در برخورد با کافران و رحمت در میان خود فرامی‌خواند. امنیت

فکری که بستر رشد توجهات عقلانی به موضوعات خطیر و سرنوشت‌ساز جامعه اسلامی است، مرهون شرایطی است که یکی از مهمترین آنها با چنین طرز تلقی‌ای از توطئه‌اندیشی به کف می‌آید. نتیجه چنین رویکردی پرهیز از بیگانه یا توطئه‌گر خواندنِ نواندیشان برای حذف آنها از صحنهٔ عمل و اندیشهٔ سیاسی است.

پژوهشنامهٔ متین، بسان فصلنامه‌ای که دغدغه‌های علمی - پژوهشی معطوف به امام و انقلاب را از موضعی وفادارانه دنبال می‌کند و بازمی‌تاباند، با همین رویکرد، تلاش می‌کند تا با الگو گرفتن از سلوک حضرت امام آئینهٔ تمام‌نمایی از فضای اندیشه‌ورزیهای مجدّانه در باب موضوعات معطوف به امام و انقلاب باشد. ترکیب دیدگاهها و صاحب‌نظرانی که این فصلنامه مفتخر بوده است در چهار شمارهٔ اخیر میزبان آثار آنها باشد و آراء متعارض ولی در غالب موارد علمی و فنی آنها را در کنار یکدیگر بنشانند، خود مؤید این مدّعاست. پژوهشگرده امام خمینی (س) و پژوهشنامهٔ متین به سهم خود می‌کوشند تا قدمهای اولیه را در این باب بردارند و در این مسیر همهٔ صاحب‌نظران و مشفقان را به یاری می‌طلبند. لذا آرایش و ترکیب دیدگاهها و صاحب‌نظرانی که متین میزبان آنها بوده است بیش از آنکه نتیجهٔ گزینش یا انتخاب این فصلنامه باشد، برآمده از اقبال اندیشمندان به دعوت ما بوده است و امیدواریم گسترهٔ این اقبال، به وسعت همهٔ مشربها و دیدگاههایی باشد که اصل اندیشه‌ورزی مجدّانه و مشفقانه در موضوعات مورد توجه متین را باور دارند.